

بررسی دیدگاه داعش درباره توحید الوهی و ربوبی

طیبه عالمی^۱، طاهره آل بویه^۲

چکیده

داعش، یک گروه تکفیری است که با قرائت افراطی از اسلام، با هدف ایجاد دولتی خشونت مدار، تفسیر خاصی از توحید ارائه می دهد. آنان با تأکید بر توحید ربوبی و الوهی، بسیاری از اعمال مسلمانان مانند توسل، شفاعت خواهی، ذبح برای غیر خدا و تبرک جستن به اولیا و اماکن مقدس را شرک می دانند. این گروه با استناد به فتاوی شورای شریعت خود که برداشتی وهابی-تکفیری از اسلام است، هرگونه درخواست کمک یا مدیریت از غیر خدا را نفی می کنند. در پژوهش حاضر، با روش توصیفی و بررسی منابع داعش، دلایل آنان برای تکفیر مسلمانان تحلیل شد. این گروه تکفیری، به ویژه آیات توحیدی را به گونه ای تفسیر می کنند که گویی هیچ واسطه ای در نظام ربوبی جایز نیست. این نگاه افراطی، هرگونه رابطه معنوی با غیر خدا را بدعت و شرک می خواند و خشونت علیه مخالفان را توجیه می کند. یافته ها نشان می دهد که برداشت داعش از توحید، تحمیل قرائتی یک سوویه و غیرمنعطف از دین است که در نهایت به تفرقه و خشونت دامن می زند.

واژگان کلیدی: توحید، داعش، دعای غیر الله، تبرک، نذر.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: alemitayyba@gmail.com

ORCID: 0009-00069233791818

۲. مربی گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: t.albouyeh@gmail.com

ORCID: 0000-0001-7662-1901

توحید، مهم‌ترین اصلی است که دین مبین اسلام بر آن بنا نهاده شده است و گام مهمی برای رسیدن به سعادت و خوشبختی است به نحوی که اصلی‌ترین شعار رسولان الهی نیز «لا اله الا الله» می‌باشد. قرآن کریم هم این حقیقت را بیان کرده است: «ولقد بعثنا فی کل أمة رسولا أن عبدوا الله واجتنبوا الطاغوت...» (نحل: ۳۶). یک انسان موحد باید زندگی خود را طوری طراحی و برنامه‌ریزی کند که توحید جزء اصلی آن باشد تا مراتب رشد انسانی فرد صورت گیرد و زندگی به نظم حقیقی و آرامش برسد.

فرقه‌های انحرافی برای تأثیرگذار بودن مبانی مکتبشان از مسیر توحید وارد می‌شوند و ذهن افراد را به خود مشغول می‌کند؛ از جمله فرقه‌ای که به اسم اسلام سر بلند کرد و با شعار توحید لطمه‌های زیادی به اسلام وارد آورد، «فرقه داعش» می‌باشد. آنها با استفاده از آیات قرآن کریم و تفسیر و برداشت غلط از آن آیات و همچنین با آوردن احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تعاریف خاصی از توحید ارائه داده‌اند که اغلب آن را به وهابیت استناد کرده‌اند و هرگونه اعتقادات و ارادت دیگر مسلمین را نسبت به اولیای الهی، مغایر با توحید دانسته‌اند و به صراحت اتهام کفر و شرک به مسلمانان می‌زنند. آنها، خون و مال مسلمانان را مباح می‌دانند و در ایجاد تفرقه میان فرق اسلامی و از بین بردن شیعیان و همه کسانی که با منظومه فکری آنها مخالفند، سعی دارند. (العلوان، بی‌تا، ص ۸)

ابومصعب الزرقاوی، که از رهبران اصلی و بنیان‌گذار داعش می‌باشد و ظهور القاعده در عراق را می‌توان در افراط‌گری او پیگیری کرد، نخستین بار در افغانستان با القاعده آشنا شد و با بزرگان سلفی جهادی از جمله ابومحمد مقدسی دیدار کرد. در سال ۱۹۹۳ به کشور خود، اردن، بازگشت که به دلیل یک عملیات تروریستی ناموفق ۱۵ سال به زندان می‌افتد. در این مدت تحت تأثیر افکار سلفی محمد مقدسی به این نتیجه رسید که عالم به دو بخش تقسیم می‌شود: عالم مسلمانان مؤمن سنی که گرایش سلفی دارند و عالم کفار. او در بیانیه اعتقادی که از خود صادر می‌کند به مواردی که باعث شرک می‌شود، اشاره می‌کند. (پریزار، ۲۰۰۶، ص ۷۲-۸۱) پس از او از دیگر

تأثیرگذاران در فرقه داعش، ابوبکر البغدادی بود. ابو عمر بغدادی و ابو حمزه مهاجر وزیر جنگ دولت اسلامی عراق در سال ۲۰۱۰ در بمباران هوایی کشته شدند و ابوبکر بغدادی به عنوان رئیس جدید معرفی شد. او در خانواده‌ای با گرایش سلفی رشد یافت و در رشته حقوق اسلامی از دانشگاه بغداد با مدرک دکتری فارغ التحصیل شد. بغدادی در سال ۲۰۰۴ به گروه‌های تکفیری پیوست و با تشکیل شورای مجاهدین در سال ۲۰۰۶ یکی از اعضای هیئت شرعی شورای مجاهدین شد. او نیز اعتقاد نامه‌ای را که در زمان زرقاوی بود، دوباره نشر داد و عملکرد خود را بر مبنای آن قرار داد. (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۵۴)

داعش در تعریفی که از توحید ربوبی اراده می‌دهد خدا را تنها رب، خالق و مالک و مدبر جهان می‌دانند و به آیات دیگر قرآن بی‌توجهی که برای مثال خداوند می‌فرماید: «برخی تدبیر امور بر عهده فرشتگان است...»، و یا اینکه پیامبری مانند حضرت عیسی علیه السلام قدرت خلق و احیاء را داشت، به همین دلیل همه کسانی را که خلق و تدبیر را برای غیر خدا در نظر می‌گیرند را مشرک می‌دانند و در مواردی تکفیر می‌کنند و بدون توجه به نظام طولی و عرضی که بین خدا و دیگر موجودات وجود دارد با هر گونه ارائه دلیلی مخالفت می‌کنند. داعش، در بحث توحید الوهی نیز عبادت و توسل و درخواست را فقط از خدا جایز می‌دانند و هرگونه توسل، شفاعت خواهی و استغاثه از غیر از خدا را عبادت غیر می‌دانند و آن را رد می‌کنند. (بی‌نا، ۱۴۳۶ هـ.ق، ص ۱۵)

در نوشتار حاضر سعی شد که با استفاده از منابعی که توسط خود داعش نگاشته شده است ابتدا این گروه و شخصیت‌های مهم، کتب و همچنین اقداماتی که برای اهداف خود داشته‌اند، به طور مختصر معرفی شود، سپس عقیده آنها درباره توحید ربوبی و الوهی و اینکه چه چیزهایی را مصادیق شرک می‌دانند، بررسی گردد.

۲. معرفی داعش

دولت اسلامی عراق و شام (الدولة الإسلامية في العراق والشام) با نام اختصاری داعش، یک گروه تروریستی اسلام‌گرای تندرو فراملی و فرامنطقه‌ای است که در توحید ربوبی و الوهی نظر محمد بن عبد الوهاب را پذیرفته‌اند، این خوانش داعش و وهابیت، از توحید و شرک ربوبی و الوهی نه

تنها هیچ‌گونه همخوانی، سبقه و پیشینه‌ای در میان مذاهب اعتقادی اهل سنت ندارد، بلکه در تضاد نیز است و این تضاد باعث شده است وهابیت و به تبع آن داعش گروه‌های مخالف خود را مشرک بنامند. این گروه از ژوئیه ۲۰۱۴، ادعای خلافت جهانی کرد و خود را حکومت اسلامی (الدولة الإسلامية) نامید. (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۶)

هر جریان یا سازمان تروریستی که در عرصه اجتماعی پدید می‌آید بی‌شک پیشینه‌ای دارد. جریان سلفی تکفیری، یا به تعبیر دقیق‌تر سازمان تروریستی داعش، بدون تردید پیشینه‌ای دارد و قبل از اشتهار به داعش عناوین متعددی داشته که مهم‌ترین آنها سازمان «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» بود. ارتباط این سازمان با القاعده و کمک همه جانبه سازمان تروریستی القاعده نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری، رشد و تکامل این سازمان مطرح شدن آن در منطقه خاورمیانه و سپس جهان داشته است. اندیشه تکفیر و افراطی‌گری در این قبیل سازمان‌های تروریستی تا حدی ریشه در تفکرات گروه‌های جهادی و بنیادگرای مصری دارد و عناصر اصلی این گروه‌ها بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری، سیر تطور و مدیریت القاعده و سایر گروه‌های تروریستی از قبیل داعش داشته‌اند. (شریفات، ۱۳۹۵، ص ۱۷ و ۱۸)

آمریکا در سال ۲۰۰۳ به بهانه مبارزه با تروریسم به عراق حمله کرد و شاخه القاعده به رهبری ابومصعب زرقاوی فعال شد که کار آنها ایجاد عملیات‌های انتحاری بمب‌گذاری در اماکن عمومی و قتل و خشونت به اسم اسلام مبارزه با آمریکا بود. ابومصعب، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ رهبر القاعده عراق بود و مهم‌ترین هدف خودش را مبارزه با شیعیان عراق معرفی کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۶ در بمباران کشته شد. (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۰) چند ماه بعد از کشته شدن زرقاوی، القاعده عراق به دولت اسلامی عراق تبدیل شد و ابوعمر بغدادی رهبر این گروه شد. فعالیت‌های القاعده از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ کم‌رنگ بود و دلیل آن تدوین قانون اساسی و بهبود وضعیت سیاسی عراق و فقدان رهبری کاریزما مثل زرقاوی برای این گروه بود (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۱)، اما کشته شدن ابوعمر در سال ۲۰۱۰ روی کار آمدن ابوبکر بغدادی و همزمان شدن آنها با جنگ داخلی سوریه، فعالیت‌های این گروه گسترش یافت. القاعده عراق با فتوای ایمن الظواهری، رهبر القاعده، و کمک و تبلیغات غرب و

برخی کشورهای منطقه به سوریه عزیمت کرد و مناطق شرقی و شمالی سوریه را به تصرف درآورد. اجتماع القاعده در سوریه دیری نپایید که به اختلاف بین گروه‌های القاعده در سوریه انجامید و بین القاعده عراق و القاعده سوریه (جبهه النصره) درگیری ایجاد شد. در این ماجرا، ایمن الظواهری حکم شد و رأی خود را به نفع جبهه النصره صادر کرد و به ابوبکر بغدادی فرمان داد یا به عراق برگردد یا باید به فرمان جبهه النصره باشد. همین رأی باعث شد که ابوبکر بغدادی از گروه القاعده خارج شود و گروه داعش را تأسیس کند و اعلام کرد که رهبری جز اسامه بن لادن نمی‌شناسد. او ادعای خلافت اسلامی کرد و خود را خلیفه مسلمین می‌دانست (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

در تبلیغات داعش از وی به عنوان «ابوبکر الحسینی القریشی البغدادی» نام برده می‌شود تا یادآور حدیث معروف «خلفا امتی اثنا عشر کلهم من قریش» باشد. برای شناخت داعش باید القاعده را شناخت و شناخت القاعده بدون شناخت سلفی جهادی امکان‌پذیر نیست. سلفیه جهادی در دهه ۷۰ قرن بیستم در مصر ظهور یافت و با تفسیر خاص از جاهلیت و جهاد گروه‌های تکفیری متعددی از دل آن بیرون آمدند. به گفته ابومصعب سوری، بنیان فکری سلفیه جهادی متشکل است از: اصولی از اندیشه اخوان المسلمین به علاوه شیوه جنبشی سید قطب، فقه سیاسی ابن تیمیه، مکتب سلفیه و میراث فقهی عقیدتی دعوت وهابی است. (ابومصعب سوری، ۱۴۲۵ هـ.ق، ص ۶۹۴) و این گفته ابومصعب با مراجعه به عقیده‌نامه رسمی داعش و همچنین کتاب‌های منتشر شده از سوی داعش، ثابت می‌شود.

در تمام مناطق تحت تصرف داعش در سوریه و عراق، عبارتی از ابن تیمیه خودنمایی می‌کند: «قوام الدین بکتاب یهدی و بسیف ینصر»؛ یعنی پایداری دین به قرآن هدایت‌گر و به شمشیری است که آن دین را یاری می‌کند. داعش برای نشان دادن تفکرات سلفی خود نواقص الاسلام محمد بن عبدالوهاب را به در و دیوار مناطق اشغالی نصب کرده، قبور اولیای الهی را تخریب کرد، جهاد مسلحانه را اصل اساسی خود می‌داند و شیعه را دشمن اصلی خود معرفی می‌کند. (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۴)

۳. عقاید و افکار دولت اسلامی عراق

داعش با انتشار مجدد، آن را مبنای عملکرد خود قرار داده است که مهم‌ترین نکات آن عبارتند از: (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۵، ص ۵۴)

- در نگاه داعشی‌ها ذکر شهادتین کافی نیست و عمل جز اسلام است که همان تعریف خوارج از اسلام می‌باشد. اگر کسی یکی از نواقض اسلام را مرتکب شود، کافر است؛ هرچند ادعای مسلمانی داشته باشد.

- ایمان داریم که سنت پیامبر ﷺ وحی ثانی است و آن تبیین‌کننده و مفسر قرآن است و از سنت صحیح به سخن شخص دیگری تجاوز نمی‌کنیم و از بدعت کوچک و بزرگ اجتناب می‌کنیم. - به خروج قومی از موحدان از آتش توسط خداوند متعال و با شفاعت شافعین ایمان داریم و همانا شفاعت حقی است برای کسی که خداوند به او اذن دهد و از قول او راضی باشد. به شفاعت نبی ایمان داریم و همانا برای او در روز قیامت مقام محمود است.

- هر آن که شهادتین را بگوید و اسلام را برای ما ظاهر کند و نواقض اسلام را انجام ندهد، ما با او معامله مسلمان می‌کنیم.

- روافض (شیعیان) مشرک و مرتدند.

- سرزمین مسلمانان تا زمانی که قوانین کفر در آن غلبه دارد، اعتقاد به کفر این سرزمین داریم و لازمه آن تکفیر ساکنین این سرزمین به دلیل غیبت حکومت اسلامی و غلبه مرتدین و تسلط آنها بر حکومت در سرزمین مسلمین، نیست و ما سخن غلات را که می‌گویند: «اصل در مردم کفر مطلق است» را قبول نداریم بلکه هر کسی به حسب حال خودش است؛ برخی مسلمان و برخی کافر.

- ما به نابودی تمامی مظاهر شرک و تحریم ابزارهای آن اعتقاد داریم؛ به دلیل روایت صحیحی که مسلم از ابی الهیاج اسدی نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «تو را به سوی چیزی می‌فرستم که برای آن مبعوث شده‌ام، اینکه تمامی تمثال‌ها را نابود کن و تمامی قبرهایی را که بلند هستند، مسطح و صاف کن».

- کفر مرتدین (شیعیان و سکولارها) به اجماع، بدتر از کفر اصلی است. بنابراین، کشتن مرتدین نزد ما از کشتن کافر اصلی اولی است.

- هر کس که غیر از اسلام بخواند یا طعنه‌ای به دین ما بزند یا بر علیه ما شمشیر بکشد، محارب ماست.

فرقه داعش، برای تبلیغ و ترویج عقاید خود کتاب، مجلات و جزواتی دارند که به صورت مختصر درباره بینش‌های خود نگارش کرده‌اند. بیشتر آثاری که توسط داعش تبلیغ و منتشر می‌شود، از ائمه نجد یعنی، محمد بن عبدالوهاب تا معاصرین است. این اقدام داعش به وضوح نشان می‌دهد که تفکر آنها متأثر از وهابیت می‌باشد. مهم‌ترین انتشارات داعش «مکتبه الهمه» می‌باشد که مطالب را در قالب بروشور با عنوان «مطویات» منتشر می‌کند. همچنین، «مجله النبأ» یکی از نشریات رسمی گروه داعش است که به صورت هفتگی به چاپ می‌رسد. این مجله، ابزار تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی این گروه است. این مجله به طور منظم به زبان عربی منتشر می‌شود و مطالب آن شامل گزارش‌های درباره عملیات‌های نظامی، فعالیت‌های گروه در مناطق مختلف، پیام‌های رهبران داعش و تحلیل‌های ایدئولوژیک است. در زیر، برخی از آثار محمد بن عبدالوهاب که توسط داعش منتشر شده، است، معرفی می‌شود:

کتاب اصول الثلاثة: این کتاب، نوشته محمد بن عبدالوهاب است که در آن، سه اصل شناخت خدا، شناخت اسلام و شناخت پیامبر ﷺ تدوین شده است. داعش در مجله هفتگی خود، این کتاب را تبلیغ می‌کند در بخشی از شماره ۲۶ این مجله، مطلبی با عنوان «اربع القواعد فی معرفه الشرک و اهله» آمده است. (بی‌نا، ۱۴۳۷، ص ۱۶)

کتاب مفید المستفید فی کفر تارک التوحید: داعش در مقدمه این کتاب، محمد بن عبدالوهاب را «مجدد» نامیده است؛ که عمر خود را برای بیان توحید و مبارزه با خرافات و شرک و بت‌پرستی وقف کرده است و در این راه جهاد کرد. داعش انتشار عقاید محمد بن عبدالوهاب را وظیفه خود می‌داند تا توحید خالص مستقر شود. (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۳۷، ص ۴)

کتاب مسائل الجاهلیه: کتاب دیگری از محمد بن عبدالوهاب است که مکتبه الهمه برای آن مقدمه زده است. در این مقدمه آمده است که امروزه مسائل دوران جاهلی دوباره زنده شده و بر هر مسلمانی واجب است که آن مسائل را بشناسد و از آنها اجتناب کند. یکی از آن مسائل، مسئله شفاعت و شریک قرار دادن صالحین در عبادت خداست که از نظر محمد بن عبدالوهاب بزرگ‌ترین مسئله دوران جاهلیت بود. (محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۳۷، ص ۳-۵)

۴. اقسام توحید

یکی از رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌های توحید در بین متکلمان حتی شیعیان، توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی است؛ چنانچه علامه مصباح یزدی در کتاب خداشناسی از این تقسیم استفاده می‌کند. (ر.ک.، مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۳) این تقسیم‌بندی از قرن هشتم به بعد توسط رهبران وهابیت شکل دیگری گرفت و تقسیم‌بندی جدیدی از توحید ارائه دادند. آنها توحید را به توحید الوهی و توحید ربوبی و توحید در اسماء و صفات تقسیم کردند (عبدالوهاب، بی‌تا، ۳۷/۷). به تبع وهابیت، برخی از گروه‌های دیگر که متأثر از این جریان فکری به وجود آمده‌اند نیز همین تقسیم‌بندی را پذیرفته‌اند و به ترویج آن پرداخته‌اند. یکی از این گروه‌ها، گروه تکفیری داعش است که تحت تأثیر افکار وهابیت می‌باشند. آنها نیز توحید را به توحید ربوبیت، الوهیت و اسماء و صفات تقسیم می‌کنند (بی‌تا، ۱۴۳۶ هـ.ق، ص ۸).

۴-۱. توحید الوهی و ربوبی داعش

توحید، اصلی‌ترین ریشه اعتقادی در اسلام، به معنای یگانگی و بی‌مانند دانستن خداوند می‌باشد که به توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید در خالقیت، توحید استقلالی، توحید در ربوبیت و توحید در الوهیت تقسیم می‌شود. داعش نیز در کتاب تعلموا... امر دینکم که به چاپ رسانده‌اند برای توحید تعریف و تقسیم‌بندی ارائه دادند که «توحید به معنای یگانگی خدا در ربوبیت، الوهیت و اسماء و صفات» می‌باشد. (بی‌تا، ۱۴۳۶ هـ.ق، ص ۸)

آیاتی که این فرقه برای تعریف توحید ربوبی ارائه می دهند عبارتند از: خدا در کارهایش، مثل، خلق، ملک و تدبیر شریک ندارد (بی نا، ۱۴۳۶ هـ.ق، ص ۹): «قل من يرزقكم من السماء والأرض أمن يملك السمع والأبصار ومن يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ومن يدبر الأمر فسيقولون لله فقل أفلا تتقون» (يونس: ۳۱). اکثر مشرکین به توحید ربوبی اقرار کردند، ولی آنها را داخل اسلام به شمار نیاوردند، بلکه پیامبر ﷺ با آنها جنگید و جان و مال آنها را مباح کرد، و زنان را اسیر گرفت (بی نا، ۱۴۳۶ ق، ص ۹): «ولئن سألتهم من خلق السماوات والأرض ليقولن الله...» (لقمان: ۲۵) و در آیه ای دیگر می فرماید: «وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون» (يوسف: ۱۰۶).

اگرچه روی آوردن و پذیرش توحید ربوبی برای انسان واجب است، اما برای رسیدن به توحید کافی نیست، بلکه باید به همه اقسام آن روی آورد. پیامبر ﷺ می فرماید: «به من دستور داده شده با مردم بجنگم تا زمانی که به یگانگی خدا، رسالت حضرت محمد، به پا داشتن نماز، پرداخت زکات شهادت دهند، پس اگر چنین کردند جان و مالشان در حفاظت من است. جز به خاطر اسلام و حساب آنها با خداست». (بی نا، ۱۴۳۶ هـ.ق، ص ۹)

مقابل توحید، شرک در ربوبیت است؛ اینکه برای غیر از خدا سهمی در ملک، تدبیر، خلق و یا رزق به صورت مستقیم، که فقط از آن خدای سبحان است، قرار دهیم. شرک در ربوبیت ممکن است در گفتار، اعمال یا عقیده باشد.

۴-۲. توحید الهی از دیدگاه داعش

خدا در عبادت، مثل نماز، ذبح و نذر شریک ندارد: «قل إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين* لا شريك له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمين» (انعام: ۱۶۲-۱۶۳) در مقابل توحید الهی، شرک الهی است که عبارتند از: عبادت برای غیر او سبحان الله، یا اعتقاد به اینکه غیر الله سبحان شایسته عبادت است؛ با گفتار، فعل و عقیده.

- گفتار: مثل دعا، نذر یا استغاثه به کسی غیر از خدای تبارک و تعالی.

- فعل: مثل سجده کردن یا ذبح کردن برای غیر خدا یا طواف به قبور همه این افعال شرک بزرگی است گرچه در ظاهر مسلمان است. در جزوه «فاعلم انه لا اله الا الله» از الولاء و البراء به عنوان دو اصل از اصول اصلی اسلام اشاره کرده‌اند و آن را شرط صحت ایمان می‌دانند. در یکی از بندهای ولاء، آمده است: «وفادار کسی است که پرچم اسلام را بلند می‌کند و در جهت ترویج اسلام به شهرهای دیگر قیام می‌کند و توحید را به مردم می‌آموزد و آنها را از شرک بر حذر می‌دارد و قبرها و قصرها را نابود می‌کند». (بی‌نا، بی‌تا، ص ۲) آنها زیارت قبور را شرک و تخریب آن را از شروط وفاداری به اسلام و صحت ایمان می‌دانند.

- عقیده: خوف، حب شرک یا توکل بر غیر خدا تبارک و تعالی.

داعش در شماره ۳۸ «مجله النبأ»، توحید در عبادت را از منظر محمد بن عبدالوهاب مورد توجه قرار داده و آورده است: «فهو إخلاص العبادة كلها بأنواعها لله؛ فلا يدعى إلا الله، ولا يرجى إلا هو، ولا يستغاث إلا به، ولا يتوكل إلا عليه، والدليل عليه: الآيات الكریمات، ولا ينذر إلا له، ولا يذبح ذبح القربان إلا له وحده لا شريك له، والدليل على ذلك: الآيات الكریمات وهذا؛ هو معنى لا إله إلا الله؛ توحید در عبادت یعنی، خالص کردن هر نوع عبادتی برای خدا. بنابراین، غیر خدا خوانده نشود، به غیر او امید بسته نشود، فقط از خداوند استغاثه شود، به غیر او توکل نشود، به غیر او نذر کرده نشود، ذبح تقریبی فقط برای خداوند انجام شود. دلیل بر این مطلب، آیاتی از قرآن کریم می‌باشد؛ در واقع این همان معنی لا اله الا الله است». (محمد ابن عبدالوهاب، ۱۴۳۷: ص ۱۶)

۴-۳. تخریب قبور

داعش به تقلید از وهابیت که می‌گویند: «از میان قبور انبیا فقط قبر حضرت محمد ﷺ مشخص است، و همچنین دو نفر از صحابه و قبر ابراهیم خلیل که نیز به تواتر مورد اتفاق علماست»، می‌گوید: «این قبور و مناظر، مغشوش و ساختگی است و علم به آنها نداریم. تحقیقات زیادی صورت گرفته است و دلیل آن این است که ساخت قبر نه در شریعت اسلام است و نه حکم پیامبر ﷺ و خداست که می‌فرماید: «انا نحن نزلنا ذكر و انا له لحافظون» (حجر: ۹) و همچنین

نقل است از پیامبر ﷺ آنچه را که بدعتگذاران در آن زمان انجام می دادند، نهی کرد. مانند آنچه مسلم در صحیح خود از جندب بن عبد الله روایت کرده است که گفت: از پیامبر ﷺ شنیدم که پنج سال قبل از وفات گفت: همانا پیش از شما قبرها را عبادت می کردند. در حقیقت قبرها را عبادت نکنید که من شما را از آن نهی می کنم. لعنت خدا! بر یهود و نصاری که قبور پیامبرانشان را به عنوان عبادتگاه می گیرند. ائمه اطهار علیهم السلام بر این امر اجماع کرده اند که ساختن این مناظر بر روی قبور جایز نیست و استفاده از آنها به عنوان مسجد جایز نیست. نماز خواندن در آنجا جایز نیست و رفتن به او برای ارادت به او جایز نیست». (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۸/۲۷)

آنها با استفاده از قرآن و سنت مشروعیت تخریب قبور را اعلام می کنند و این کار خود را زدودن آثار شرک و بت پرستی می دانند که عده ای به نام دین با ساده لوح پنداشتن مردم و چپاول اموال آنها این بناها را ساخته اند و ما هر چه زودتر باید مردم را از ستم آن مرتدان نجات دهیم. (ابن تیمیه، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۹/۲۷) بنابراین، دست به تخریب قبور زدند، و هرگونه بنای قبر و احترام به قبور را شرک می دانند.

۴-۴. تحریم بنای قبور

داعش بیان می کند: «از گذشته هر وقت بین مسلمانان در واجب یا حرام، مکروه و مستحب بودن آن اختلاف افتاد، توصیه شد که به خدا و رسول رجوع کنید. موضوعی که در عصر ما مورد اختلاف است، برافراشتن قبور و تبرک جویی با دعا در آن است. بدانید که برافراشتن قبر و دعا و تبرک جویی از زمان قدیم و در زمان پیامبر ﷺ از بدعت های ثابت است، اما برخی علمای متأخر گفتند که ساخت گنبد و قبور برای انبیا و اولیا و نیکوکاران اشکالی ندارد و این بهتانی بزرگ است. و در صحیحین از ابوهریره منقول است که رسول خدا ﷺ فرمود: خدا یهود و نصارا را بکشد که قبور پیامبرانشان را محل عبادت کردند. و در روایتی از عایشه آمده است: لعنت خدا بر یهود و نصارا که قبور پیامبرانشان مسجد است. سپس گفت: اگر نبود قبرش آشکار می شد، ولی می ترسید که مسجد باشد. امام احمد در مسند خود با سند حسنه از حدیثی از عبدالله بن مسعود روایت

می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: "إن من شرار الناس من تدرکه الساعة وهم أحياء، ومن يتخذ القبور مساجد؛ از بدترین مردم کسانی هستند که قیامت در حال حیات به آنها می‌رسد و کسانی که قبرها را مسجد می‌گیرند". (ابن حنبل، ۱۴۱۶ هـ.ق، ح ۳۸۴۴)

در صحیح مسلم از ابوالحیاج اسدی گفته است: «علی بن ابیطالب به من گفت: آیا تو را برای انجام آنچه رسول خدا ﷺ انجام دهد نفرستم؟ مرا فرستاد تا این کار را انجام دهم که مجسمه‌ای را بدون محو کردن آن و هیچ قبر شریفی را بدون تسطیح بر جای نگذارم». (الشوکانی، بی‌تا، ص ۲) «ما می‌خواهیم با بت‌پرستی مدرن و شرک مدرن که در کشور ما و در اکثر کشورها گسترش یافته است، مبارزه کنیم همانطور که اجداد صالح ما با بت‌پرستی و شرک باستانی مبارزه کردند. ما می‌خواهیم در همه امور مسلمین حرف حق بزنیم، تاجایی که می‌توانیم با کلمه قاطع و صریح، با اسلام مخالفت کنیم، در آنچه می‌گوییم جز از خدا نمی‌ترسیم، همان‌طور که می‌گوییم. آنچه را می‌گوییم، بلکه آنچه را بر ما واجب کرده است می‌گوییم و با هدایت کتاب پروردگارمان و سنت رسولش مبارزه می‌کنیم». (بی‌تا، بی‌تا، ص ۳)

۵. تفاوت، آثار و نتایج این نوع تقسیم‌بندی

همان‌طور که در تعریف ربوبی و الوهی توحید اشاره شد تفاوت این دو در ماهیت و موضوع آنها است. توحید الوهی اعتراف به این است که فقط خداوند متعال شایسته پرستش است؛ زیرا دارای همه صفات جمال و کمال بالاستقلال است (سیحانی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۱۸) و انسان از توجه به غیر خدا منصرف می‌شود، اما در توحید ربوبی توجه به این موضوع است که در این عالم فاعلی جز خدا نیست و همه امور به دست اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴۳/۱۲).

آثار این نوع تقسیم‌بندی: باتوجه به اینکه داعش همانند وهابیت بر این عقیده است که مشرکین در توحید ربوبی موحد بودند و فقط در توحید الوهی گرفتار شرک شدند؛ با این نوع تقسیم‌بندی زمینه را برای اینکه به راحتی اتهام مشرک بودن به تمامی کسانی که مخالف عقیده آنها عمل

می‌کنند بزنند و همه کسانی را که توسل به انبیاء یا اولیاء دارند، تکفیر می‌کنند. (سقاف، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۵) علاوه بر اتهام تکفیر از پیامدهای دیگر این نوع تقسیم‌بندی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: - بدعت‌گذاری: این نوع تقسیم و انحصاری کردن توحید نوعی بدعت است (فراهیدی، ۱۳۶۷، ۵۴/۲) و در آثار سلف ذکر نشده است؛ زیرا در آن صورت نباید تفاوتی در تقسیم‌بندی دیده می‌شد؛ یعنی نباید گاهی تقسیم دوگانه ذکر می‌شد و گاهی تقسیم سه‌گانه؛ این تقسیم‌بندی از اجتهادات ابن قیم است که با اصول اولیه دین مغایرت دارد. (طوخی، ۱۳۹۰، ص ۲۶)

- تشویش در مفاهیم: این نوع تقسیم‌بندی با فطرت و باطن انسان سازگار نیست و انسان به‌طور فطری این تقسیم‌بندی از توحید را نمی‌پذیرد. (البریکان، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۱/۱۷۴)

- محدودیت در فهم دین: با این تقسیم‌بندی که وهابیون برای توحید انجام داده‌اند، نمی‌توان توحید صرف و حقیقی را اثبات کرد. آنها از تفسیر دقیق رابطه ذات و صفات الهی عاجز هستند؛ زیرا صفات را زائد بر ذات می‌دانند و این صفات را با معنای ظاهری آن به خدا نسبت می‌دهند. همچنین سایر ابعاد توحید نادیده گرفته می‌شود و این امر باعث نقص در فهم کلی دین اسلام می‌شود. (نکوئی سامانی، ۱۳۹۶، ص ۱۲)

۶. مصادیق شرک ربوبی و الوهی از دیدگاه داعش

فرقه داعش در باب دعای غیر الله به حرمت این کار فتوا می‌دهد و در مجله رومیه خود که به زبان فارسی چاپ می‌شد، به کلمات محمد بن عبدالوهاب و دیگر علمای وهابیت، استناد می‌کنند و خواندن غیر خدا را موجب کفر می‌دانند؛ و کسی که کافر را تکفیر نکند، خودش نیز کافر است.

امام مجدد، محمد بن عبدالوهاب، می‌گوید: «بدان که دلایل تکفیر مسلمانانی که برای الله شریک قرار داده و یا علیه موحدین با مشرکین متحد می‌شوند، در کلام الهی، سنت نبوی و آثار علمای سلف، بیش از آن است که بتوان جمع نمود». شیخ عبداللطیف بن عبدالرحمن می‌گوید: باید دانست که کتاب الله، سنت پیامبر ﷺ و آثار سلف، مملو از تکفیر کسانی است که در کنار الله دیگران را می‌خوانند و از آنها چیزهایی می‌طلبند که جز الله، هیچ‌کس توانایی اعطای آنها را ندارد.

سرتاسر قرآن به شیوه‌های مختلف و با عناوین گوناگون اشاره به این موضوع دارد. دیگر علمای دعوت نجدی نیز می‌گویند: کسی که مشرکین را تکفیر نکند، آموزه‌های قرآن را تصدیق نکرده است. قرآن مشرکین را تکفیر کرده و به ما دستور داده تا آنها را تکفیر کرده و دشمن خود دانسته و با آنها بجنگیم». (بی‌نا، ۱۴۳۷ هـ.ق، ص ۱۲) دعای غیر الله سه مصداق دارد و در ادامه نظرات داعش درباره هر کدام ذکر می‌شود.

۶-۱. توسل

۶-۱-۱. توسل در لغت و اصطلاح

توسل در لغت به معنی نزدیک کردن چیزی به چیزی است و بدین معناست که شخص با چیز خاصی به شخص دیگری نزدیک شود. توسل در اصطلاح عبارتند از: زمانی که دعاکننده در دعای خود، آنچه را که امیدوار است که دلیل بر اجابت دعاهاش است، ذکر کند.

۶-۱-۲. انواع توسل

اول، توسل شرعی

توسل شرعی را به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- توسل به خدا با اسماء و صفاتش، همان طور که در قرآن امر کرد: «ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها وذروا الذین یلحدون فی أسمائه سيجزون ما كانوا یعملون» (اعراف: ۱۸۰).
- توسل به خدا به واسطه ایمان و اعمال صالح، همان طور که خدا به اهل ایمان سفارش می‌کند: «ربنا إننا سمعنا منادیاً ینادی للإیمان أن آمنوا بریکم فآمنارینا فآغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الأبرار» (آل عمران: ۱۹۳).

- توسل به خدا با توحید او، همان طور که حضرت یونس علیه السلام توسل کرد: «فنادی فی الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانک إنی كنت من الظالمین» (انبیاء: ۸۷).
- توسل به خدا با اظهار ضعف و نیاز به خدا، همان طور که حضرت ایوب علیه السلام توسل کرد: «أنی مسنی الضر وأنت أرحم الراحمین» (انبیاء: ۸۳).

- توسل به خدا با دعای صالحانی که زنده هستند مانند زمانی که گرفتاری برای گروهی پیش آمد و برای دعا کردن پیش پیامبر ﷺ رفتند، و وقتی ایشان از دنیا رفت از عمویش عباس خواستند تا دعا کنند.

- توسل به خدا با اعتراف به گناه: «قال رب إني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له إنه هو الغفور الرحيم» (قصص: ۱۶).

دوم) توسل غیر شرعی

توسل به چیزی است که در قرآن کریم و سنت رسول ﷺ جایز ذکر نشده است و نمونه‌های از آن به شرح زیر است:

- توسل به اموات جایز نیست: از عمر بن خطاب و معاویه بن ابی سفیان وارد است که از صحابه پیامبر ﷺ که به نیکی از ایشان پیروی می‌کردند، اما زمانی که برای آنها گرفتاری پیش آمد آنها افراد زنده مثل عباس و یزید بن اسود رفتند و از آنها طلب دعا کردند، و نزد قبر پیامبر ﷺ رفتند و به ایشان توسل نکردند و شفاعت نخواستند بلکه به جای ایشان عباس و یزید بن اسود را جایگزین کردند. عمر می‌گوید: «خدایا! ما به واسطه پیامبرمان از تو طلب آب می‌کردیم و حال به واسطه عموی پیامبرمان از تو درخواست آب داریم». فرمود: «به آنها آب داده خواهد شد». (بخاری، بی‌تا، ص ۱۳۷)

آنها می‌توانستند که اگر جایز بود به قبر پیامبر بروند و به ایشان توسل کنند، اما این کار را انجام ندادند و کس دیگری را جایگزین قرار دادند. بنابراین، از این عمل متوجه می‌شویم که توسل به اموات جایز نیست.

- توسل به جاه و مقام پیامبر ﷺ و دیگران جایز نیست. حدیثی که از پیامبر نقل شده است: «هر گاه از خدا چیزی خواستی، به جاه من از او بخواه؛ زیرا که مقام من نزد خدا بزرگ است»، حدیث کذب است. هیچ کدام از اهل علم آن را ذکر نکرده‌اند و تا زمانی که این حدیث صحیح نباشد پس جایز نیست که به مقام پیامبر ﷺ و دیگران توسل کرد؛ زیرا فقط با دلایل روشن ثابت می‌شوند.

- توسل به ذات مخلوقات و حق آنها جایز نیست؛ زیرا از پیامبر ﷺ چیزی گزارش نشده است.

۶-۲. شفاعت

شیخ بن عبد الوهاب، می گوید: «هر کس بین خودش و خداوند واسطه‌ای قرار دهد و از آنها طلب شفاعت کند و از آنها یاری بخواند و به آنها توکل کند به اجماع مسلمین کافر می شود». (العلوان، بی تا، ص ۲۲) این مورد نقض از اسلام از مواردی است که بیشتر اتفاق می افتد و خطر آن هم بیشتر است.

۶-۲-۱. انواع شفاعت

اول، شفاعت منفی: (شرک) و آن شفاعتی است که از غیر خدا طلب می شود.
دوم، شفاعت مثبت: (جایز) و آن همان شفاعت اهل توحید و اخلاص است که به طور مستقیم از خدا طلب شفاعت می کنند؛ این نوع شفاعت نیز دو امر وابسته است:
الف) اذن خدا به شفاعت کننده: «من ذا الذی یشفع عنده إلا بإذنه» (بقره: ۲۵۵).
ب) خدا از کسی که برای او شفاعت می شود، راضی باشد: «ولا یشفعون إلا لمن ارتضی» (انبیاء: ۲۸).

داعش طلب شفاعت از اولیای الهی بعد از وفات آنها را شرک و کفر می داند. وقتی کسی از آنها سؤال می کنند که اگر در کنار قبر مادرش طلب آمرزش کند چه حکمی دارد؟ داعش او را به شرک متهم می کند: «إن الطواف للقبور طلبا للثواب من أهلها ودعاء الأموات وطلب الحاجات منهم کل هذا کفر وضلال ومنکر عظیم وهو من الشک الأكبر والعیاذ بالله الذی لا یعذر فیه صاحبه بالجهل فمن مات وهو یدعو الأموات ویستغیث بهم ویطلب منهم الحاجات ویطوف بقبورهم طلبا للشفاعة والثواب والنفع فقد مات کافرا لا یجوز الاستغفار له ولا الترحم علیه. و قولع تعالی: "ما کان للنبی والذین آمنوا أن یتغفروا للمشرکین ولو کانوا أولى قربی من بعد ما تبین لهم أنهم أصحاب الجحیم"» (توبه: ۱۱۳). (مهاجر، ۱۴۰۲ هـ. ش، ص ۱۶)

از نظر داعش، طواف قبر با هدف ثواب و طلب حاجت از مردگان و بهرمندی از دعای اموات کفر و شرک اکبر است و پناه بر خدا که این شرک را معذور به جهل نمی داند پس هر کس بمیرد

درحالی که از اموات طلب حاجت می کرده و برای شفاعت و ثواب، قبر آنها را طواف کرده، کافر مرده است و استغفار و طلب رحمت برای او جایز نیست.

داعش در شماره ۳۸ مجله النبأ نامه‌ای از محمد بن عبدالوهاب که برای موحدین نوشته، چاپ کرده است: «علموا أن الأدلة على تكفير المسلم الصالح إذا أشرك بالله، أو صار مع المشركين على الموحدين ولو لم يشرك، أكثر من أن تحصر؛ ادله بر تكفير مسلمان صالح، زمانی که برای خداوند شریک قرار داده باشد، یا اینکه با مشرکین بر علیه موحدین باشد، هرچند که شرک هم نورزیده باشد، غیر قابل شمارش می باشد». (عبدالوهاب، ۱۴۳۷ هـ.ق، ص ۱۲) داعش از این متن چنین برداشت کرده اند: «کسانی هستند که از مردگان طلب شفاعت می کنند و چنین صدا می زنند: برای مثال یا فلانی اشفع لنا عندالله... با این گمان که با جاه و مقام صالحین به خدا نزدیک می شوند. درحالی که این کار عین شرک جاهلیت اولی می باشد» (عبدالوهاب، ۱۴۳۷ هـ.ق، ص ۱۳).

۳-۶. استغاثه

داعش این گونه تعریف می کند: «استغاثه طلب کمک و درخواست حمایت در کاری و یا برای تسکین و رفع ناراحتی می باشد». (المهاجر، ۲۰۱۶، ص ۲۷۰)

۱-۳-۶. انواع استغاثه از نظر داعش

استغاثه یا مجاز است یا غیر مجاز.

نوع اول) استعانت و استغاثه به مخلوق در آنچه که قادر به انجام آن است، جایز است. خداوند می فرماید: «وتعاونوا على البر والتقوى» (مائده: ۲) و همچنین در داستان حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «فاستغاثه الذی من شيعته على الذی من عدوه...» (قصص: ۱۵) و همان طور مردمی که در جنگ و.. از یاران خود کمک می خواهند که مخلوق قادر به انجام آن است. مانند کمک گرفتن از مردگان و زندگان برای کارهای مثل شفای مریضان و استغاثه برای رفع گرفتاری و دفع ضرر جایز نیست و شرک بزرگ است. خداوند می فرماید: «ولا تدع من دون الله ما لا ينفعك ولا يضرك فإن فعلت فإنك إذا من الظالمين» (یونس: ۱۰۶).

نوع دوم) استعانت و استغاثه به مخلوق در کارهای که فقط خدا قادر به انجام آن است و مخلوق قادر به انجام آن نیست. یکی از علمای داعش، ابوحمزه المهاجر، که مسئولیت وزارت جنگ را نیز بر عهده داشت در یکی از تألیفات خود به آیه‌ای شریفه از قرآن اشاره می‌کند و برداشت خود را که متأثر از افکار محمد بن عبدالوهاب است، بیان می‌کند: «إذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم أني ممدكم بألف من الملائكة مردفين» (انفال: ۹)؛ «وفيه أن من استغاث بالله أغاثه ومن استعان به أعانه ومن توكل على الله فهو حسبه، ومن صرف شيئاً من ذلك لغير الله وأشرك مع الله غيره، يقول الشيخ محمد بن عبدالوهاب: وأنواع العبادة التي أمر الله بها؛ مثل الإسلام والإيمان والإحسان، ومنه الدعاء والخوف والرجاء والتوكل والرغبة والرغبة والخشوع والخشية والإنابة والاستعانة والاستعاذة والاستغاثة والذبح والنذر، وغير ذلك من أنواع العبادة التي أمر الله بها كلها؛ فمن صرف منها شيئاً لغير الله فهو مشرك كافر؛ هر کس که به خداوند استغاثه کند، خداوند به فریاد او می‌رسد و هر کس که از خداوند طلب یاری کند، یاری‌اش می‌کند و هر کس بر او توکل کند، خدا برایش کفایت می‌کند، اما اگر کسی یکی از این موارد را از غیر خدا بخواهد، گمراه گشته و برای خدا شریک قائل شده است. نظر محمد بن عبدالوهاب در این موضوع چنین است که، عباداتی مثل اسلام، ایمان، احسان، و همچنین دعا، خوف، رجاء، توکل، رغبت، خشوع و ترس داشتن، انابه استغاثه، استعاذه، ذبح و نذر و امثال آن، از عباداتی است که خداوند به آنها امر کرده. اگر کسی چیزی از آنها را برای غیر خدا انجام دهد، مشرک و کافر می‌شود» (المهاجر، ۲۰۱۶، ص ۲۷۱).

ابوحمزه المهاجر از عبارات محمد بن عبدالوهاب به این نتیجه می‌رسد که استغاثه به اموات، یا استغاثه به افراد زنده در اموری که فقط خدا قادر به انجام آن است، موجب کفر و ضلالت است و به یکی از سخنان محمد بن عبدالوهاب اشاره می‌کند که گفته است: «الاستغاثة بالمخلوق فيما يقدر عليه لا نكرها، كما قال تعالى في قصة موسى «فاستغاثه الذي من شيعته على الذي من عدوه» (قصص: ۱۵) وكما يستغيث الإنسان بأصحابه في الحرب أو غيره في أشياء يقدر عليها المخلوق، ونحن أنكرنا استغاثة العبادة التي يفعلونها عند قبور الأولياء أو في غيبتهم في الأشياء التي لا يقدر عليها إلا الله؛ استغاثه به مخلوقات در اموری که فرد به آن قدرت دارد اشکالی وجود

ندارد، همان طور که در داستان قرآنی آمده است: "فاستغاثه الذی من شیعته علی الذی من عدوه؛ و انسان در جنگ یا مواقع سختی از دوستان خود در اموری که قادر به انجام آن هستند کمک می‌خواهد"، اما استغاثه کنار قبر اموات یا استغاثه به افراد غایب که فقط خدا توان انجام آن را دارند ممنوع است». (المهاجر، ۲۰۱۶، ص ۲۷۲)

۴-۶. تبرک

تبرک جویی به قبور انبیاء و اولیای الهی امری مشروع است و سابقه دینی دارد و در تاریخ اسلام و در آیات قرآن نمونه‌های ذکر شده است و مسلمانان به آن پایبند هستند، اما گروه تکفیری داعش در کتاب نواقض الاسلام اثر محمد بن عبدالوهاب که ترکی بنعلی بر آن شرحی به نام «التفریغ النصی لسلسله شرح نواقض الاسلام العشرة» نوشته است و در آن دومین ناقض اسلام را واسطه قرار دادن بین خود و خدا برای رسیدن به خواسته می‌داند که تبرک، یکی از مصادیق آن می‌باشد. ترکی بنعلی همان دلایل و صحبت‌های صالح فوزان را تکرار می‌کند. (بنعلی، ۲۰۱۹، ص ۳۶ و ۳۷) و همچنین از کتاب مسائل الجاهلیه اثر محمد بن عبدالوهاب که توسط انتشارات رسمی داعش (مکتبة الهمّة) نشر داده شده است، ۱۲۸ مورد از مسائلی که رسول خدا ﷺ در آن با نظر اهل عصر جاهلیت اختلاف داشتند و دانستن آن برای هر مسلمانی ضروری است و مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آن بی‌اعتنایی قلبی به آنچه رسول خدا ﷺ آورده است، می‌باشد: «والذین آمنوا بالباطل و کفروا بالله أولئک هم الخاسرون؛ در این کتاب بسیاری از امور مشروع و رایج میان مسلمانان را جاهلی تلقی کرده است که یکی از موارد آن تبرک به آثار بزرگان است» (عنکبوت: ۵۲). (بن فوزان، ۱۴۲۱ هـ.ق، ص ۱۳۳) به شدت با اعمالی مانند زیارت قبور، یا تبرک جستن از اشیاء و مکان‌های مقدس مخالفت می‌کنند؛ زیرا تبرک جستن بدین معناست که فرد یا شیء دیگری غیر از خدا به عنوان منبع برکت مورد توجه قرار گیرد.

در کتاب نواقض الاسلام که از داعش به چاپ رسیده است، برای شرک چهار نوع بیان کرده است که از جمله شرک های اکبر نذر کردن برای غیر خداست؛ زیرا نذر نوعی عبادت خداست. خداوند در آیه شریفه می فرماید: «وما أنفقتم من نفقة أو نذرتم من نذر فإن الله يعلمه» (بقره: ۲۷۰). بنابراین، هر کس برای اولیای الهی نذر کند؛ حتما طناب اسلام را از گردن خود بیرون آورده است؛ زیرا نذر فقط برای خدا جایز است و انجام آن برای غیر خدا خلاف شریعتی است که حضرت محمد ﷺ به آن مبعوث شده است. پس عمل کسانی که قبرها را عبادت می کنند از اهل سرزمین مجاور یا غیر از آن، و کسانی که اعتقاد دارند نفع و ضرر به دست آن هاست، شرک اکبر است و انسان را از اسلام خارج می کند و هر کس که معتقد باشد، این کار شرک اصغر است خود او از هدایت دور شده است و بر چیزی که علم ندارد نظر داده است. خدا کمک کننده و تغییردهنده است، پس بر او توکل کنید که هیچ تغییر و نیرویی نیست مگر از جانب خدا و توسط او. (العلوان، بی تا، ص ۱۶)

گروه های افراطی و تروریستی که امروزه پا جای پای وهابیت گذاشتند، با ایدئولوژی خاص خود تأثیرات عمیقی بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف گذاشتند. داعش یکی از این گروه هاست که با تکیه بر تعریف خاص خودشان از توحید تلاش می کند، اعمال خود را توجیه و مشروع جلوه دهد. دیدگاه توحیدی آنها فقط مبنای فکری برای اقدامات نظامی و تروریستی نبود بلکه به طور گسترده بر روابط اجتماعی، هویت فرهنگی و ساختارهای سیاسی جوامع را تحت تأثیر قرار می دهد. از تأثیرات فرهنگی می توان به تفسیر افراطی از توحید (ر.ک.، هگهمر، ۲۰۱۰، ص ۵۳-۹۴) و سرکوب فرهنگ های محلی (ر.ک.، العظمه، ۲۰۱۰، ص ۱۲) و افزایش تنش های بین المللی که از پیامدهای سیاسی این جریان است، اشاره کرد. (جرجس، ۲۰۱۳، ص ۶۷) در بعد اجتماعی نیز می توان به مهاجرت و جابجایی جمعیت اشاره نمود (کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲۰۲۱).

۶. نتیجه‌گیری

تحقیقات انجام شده در این مقاله نشان داد که گروه داعش با تکیه بر قرائتی خاص از توحید ربوبی و الوهی که ریشه در آموزه‌های وهابیت و اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه دارد، دست به بازتعریفی افراطی از مفاهیم دینی زده است. این قرائت، با جداسازی شدید میان توحید ربوبی و توحید الوهی و تفسیر سختگیرانه، مصادیق شرک، زمینه تکفیر گسترده مسلمانان و توجیه خشونت‌های بی‌سابقه را فراهم کرده است.

داعش، با تحریف مفاهیم سنتی اسلام و نادیده گرفتن نظام طولی ربوبیت و نقش واسطه‌های فیض الهی، اعمال مشروعی مانند توسل، شفاعت و تبرک را مصادیق شرک معرفی کرده و هرگونه گرایش به اولیای الهی را مستوجب تکفیر و مباح دانستن جان و مال مسلمانان دانسته است. این دیدگاه، نه تنها فاقد پشتوانه در مبانی اصیل قرآن و سنت معتبر اسلامی است، بلکه به تفرقه گسترده در امت اسلامی، تخریب هویت فرهنگی جوامع اسلامی، گسترش خشونت سازمان‌یافته و بحران‌های سیاسی و اجتماعی عمیقی منجر شده است.

در مجموع می‌توان گفت که دیدگاه توحیدی داعش، برخلاف ادعای خود برای احیای اسلام ناب، به ابزاری برای تخریب وحدت اسلامی، تضعیف چهره اسلام در عرصه جهانی و مشروعیت‌بخشی به رفتارهای غیرانسانی بدل شده است؛ پدیده‌ای که نیازمند بازخوانی انتقادی مستمر و هوشیاری فکری جهان اسلام نسبت به انحرافات اعتقادی و فقهی معاصر است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابراهیم نژاد، محمد (۱۳۹۵). داعش بررسی انتقادی تاریخ و افکار. قم: دارالعلوم لمدرسه اهل البيت (ع).
۲. ابن تیمیه، احمد (۱۴۲۵ هـ.ق). مجموع الفتاوی. مدینه: المملكة العربية السعودية؛ وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ هـ.ق). مسند امام احمد بن حنبل. بیروت: مؤسسه الرساله.
۴. الامام الشوکانی (بی‌تا). شرح الصدور بتحريم البناء علی القبور. بی‌جا: مکتبه الهمه.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ هـ.ق). صحیح بخاری. بیروت: دارطوق النجاة.
۶. البریکان، ابراهیم (۱۴۲۵ هـ.ق). منهج شیخ الاسلام ابن تیمیه فی تقرير عقیده التوحید. ریاض: دار ابن عفان.

۷. بی‌نا (۱۴۳۶ هـ.ق). تعلموا أمر دينكم. تحت اشراف هيئت و الافتاء بالدوله الاسلاميه: صادر عن ديوان الدعوه و المساجد.
۸. بی‌نا (۱۴۳۷ هـ.ق). مصادیق شرک. نشریه رومیه، شماره ۲، ص ۱۲.
۹. بی‌نا (بی‌تا). فأعلم انه لا اله الا الله. دوله الاسلاميه: مکتبه الهمه.
۱۰. بی‌نا (بی‌تا). ماذا يريد المجاهدون. دوله الاسلاميه: مکتبه الهمه.
۱۱. ترکی بنعلی (۲۰۱۹ م). التفریغ النصی لسلسله شرح نواقض الإسلام. بی‌جا: بی‌نا.
۱۲. سبحانی، جعفر (۱۴۱۷ هـ.ق). الأسماء الثلاث. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. سقاف شافعی، حسن بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). التنديد بمن عدد التوحيد. عمان: دارالامام النووي.
۱۴. سوری، ابومصعب (۱۴۲۵ هـ.ق). دعوه المقاومه الاسلاميه العالميه. بی‌جا: بی‌نا.
۱۵. شریفات، عبدالحمید (۱۳۹۵). داعش افکار و تشکیلات. قم: دارالاعلام لمدرسه اهل البيت علیهم السلام.
۱۶. شیخ سلیمان ناصر بن عبدالله العلوان (بی‌تا). شرح نواقض الاسلام للامام المجدد شیخ الاسلام محمد بن عبد الوهاب. بی‌جا: بی‌نا.
۱۷. صالح بن فوزان بن عبدالله (۱۴۲۱ هـ.ق). شرح مسائل الجاهلیه. ریاض: دارالعاصمه.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. عبدالحسین طوخی، عبدالحسین (۱۳۹۰). التوحيد عند شيخ ابن تيميه. تهران: نشر مشعر.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۷). العین. قم: نشر هجرت.
۲۱. محمد بن عبد الوهاب (۱۴۳۷ هـ.ق). توحيد در عبادت، مجله النباء، شماره ۲۶، ص ۱۶.
۲۲. محمد بن عبد الوهاب (بی‌تا). التوحيد الذي هو حق الله على العبيد. بی‌جا: بی‌نا.
۲۳. محمد بن عبد الوهاب (بی‌تا). مسائل الجاهلیه. بی‌جا: مکتبه الهمه.
۲۴. محمد بن عبد الوهاب (بی‌تا). مفید المستفید. بی‌جا: مکتبه الهمه.
۲۵. مصباح، محمد تقی (۱۳۹۹ هـ.ش). خداشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۶. المهاجر، ابوحمزه (۲۰۱۶). النبی القائد. بی‌جا: بی‌نا.
۲۷. مهاجر، مصطفی (۱۴۰۲). شفاعت در آموزه‌های اسلام، وهابیت و داعش. بی‌جا: دبیر خانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری.
۲۸. نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۹۶). انحرافات وهابیت در توحيد صفات. مجله میقات حج، ۲۶ (۱۰۱)، ص ۱۲.

29. Al-Azmeh (۲۰۱۰). Islam in the Modern World Islam and Modernity Transformation of an Intellectual Tradition. Harvard: University Press
30. Gerges, F. A. (2013). The New Middle East: The World After the Arab Spring. Cambridge: University Press.
31. Hegghammer, T. (2010). The Rise of Muslim Foreign Fighters: Islam and the Globalization of Jihad. International Security, 35(3), 53–94.
32. UNHCR. (2021). Global Trends: Forced Displacement in 2020. United Nations High Commissioner for Refugees.